

## بسترها و کارکردهای وقف در خراسان و ماوراءالنهر دوره سامانیان

### چکیده

وقف، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در دوره سامانیان، بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اعتقادی خراسان و ماوراءالنهر تأثیرات عمیقی داشته است. گروه‌های اجتماعی، متأثر از انگیزه‌های مختلف، با بهره‌گیری از وقف در عرصه‌های گوناگون منشأ خدمات متنوعی شدند. موقوفات علاوه بر حمایت از نهادهای علمی و مذهبی، در تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی نیز نقش‌آفرین بودند. وقف با تأمین مالی خدمات رفاهی، ایجاد فرصت‌های شغلی و توزیع ثروت، به بهبود معیشت عمومی و کاهش نابرابری اجتماعی کمک می‌کرد. همچنین، در ساخت و نگهداری رباطها و کاروانسراها، دفاع از مرزها و امنیت راه‌ها نقش بسزایی داشته و موجب رونق تجارت شده است. بررسی این ابعاد نشان می‌دهد وقف نه تنها ابزاری برای توسعه علمی و فرهنگی، بلکه عاملی مؤثر در انسجام اجتماعی نیز بوده است.

مسئله این پژوهش، بسترها و کارکردهای وقف در خراسان و ماوراءالنهر است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع تاریخی، جغرافیایی، ادبی و زندگی‌نامه‌ای، نقش وقف را در توسعه مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، رباطها، کاروانسراها و زیرساخت‌های شهری بررسی می‌کند.

فرضیه این پژوهش این است که بسترهای اجتماعی و فرهنگی خراسان و ماوراءالنهر، با نیازهای علمی و اقتصادی جامعه پیوند خورده و شرایطی را فراهم کرده که گروه‌های اجتماعی از طریق وقف به ارائه خدمات اجتماعی، علمی، آموزشی و اقتصادی بپردازند. این فرایند بنیان‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیرساخت‌های شهری را تقویت کرده است.

واژه‌های کلیدی: سامانیان / وقف / خراسان / ماوراءالنهر / خدمات اجتماعی / ترویج علم / تجارت

### مقدمه

وقف به‌عنوان یکی از کهن‌ترین نهادهای اقتصادی و اجتماعی در تاریخ ایران و اسلام، در دوره سامانیان جایگاهی ویژه یافت. این نهاد نه‌تنها در تأمین هزینه‌های علمی، آموزشی و مذهبی نقش اساسی ایفا کرد، بلکه از طریق حمایت از زیرساخت‌های شهری، خدمات رفاهی، امنیت راه‌ها و مراکز تجاری، بر توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مختلف اثرگذار بود. خراسان و ماوراءالنهر، به‌عنوان دو کانون مهم تمدنی و فرهنگی در این دوره، از نظام وقف بهره‌فراوان بردند و تأثیرات آن در شکل‌گیری نهادهای علمی، مذهبی و امنیتی این نواحی مشهود است.

افزون بر این، وقف از طریق تأمین هزینه رباطها، پشتیبانی از مرزداری و ایجاد امنیت راه‌ها، در تسهیل تجارت و مسافرت نیز مؤثر بود. رباطها، که علاوه بر کارکرد

نظامی، همچنین محل استراحت مسافران، تجار و کاروانیان نیز بودند، از طریق وقف اداره می‌شدند و نقش مهمی در تأمین رفاه و امنیت راه‌های تجاری و نظامی ایفا می‌کردند. این ابعاد نشان‌دهنده پیوند عمیق وقف با حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این دوره است.

### سوالات تحقیق:

سوالات تحقیق:

سؤال اصلی: کارکردهای وقف بیشتر در چه عرصه‌هایی به ظهور رسیده است؟

سوالات فرعی:

۱- وقف چه نقشی در عرصه اجتماعی و اقتصادی داشته است؟

۲- وقف چه نقشی در عرصه مذهبی و آموزشی داشته است؟

۳- چه گروه‌هایی و با چه انگیزه‌هایی در گسترش دامنه وقف نقش داشته‌اند؟

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع تاریخی، جغرافیایی و سایر منابع معتبر و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، تلاش دارد بسترها و کارکردهای وقف را در دو ناحیه خراسان و ماوراءالنهر بررسی کرده و تأثیر آن را بر توسعه علمی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی این مناطق تحلیل کند. نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتر کارکردهای وقف در دوره سامانیان و تبیین نقش آن در تحولات تاریخی خراسان و ماوراءالنهر یاری رساند.

### پیشینه پژوهش

ابوالقاسم فروزانی (فروزانی، ۱۴۰۱) و جواد هروی (هروی، ۱۳۷۱؛ ۱۳۸۲؛ ۱۴۰۳) با وجود تألیف آثاری درباره سامانیان، به موضوع وقف پرداخته‌اند. برخی دیگر از نویسندگان ایرانی و غیر ایرانی در آثاری که درباره سامانیان و تاریخ ایران دوران میانه نوشته‌اند، کم و بیش به موضوع وقف در دوره سامانیان پرداخته‌اند. محمدرضا ناجی در کتاب "فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان"، به تناسب فصل‌های کتاب به وقف املاک و بازارها، رباطها و پاسگاه‌های مرزی، بیمارستان‌ها، مدارس، و خانقاه‌ها، ساخت مدارس و دیگر مکان‌های آموزشی توسط عالمان و دیگر خیرین و تأمین معیشت عالمان دین و طالبان دانش پرداخته است. (ناجی، ۱۳۸۶: ۱۲۸، ۲۴۵-۲۴۹، ۴۹۸ - ۵۲۱) ناجی در کتاب «سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی - اسلامی» نیز به وقف اشارات کلی دارد. (ناجی، ۱۳۸۰: ۸۳، ۸۴) ریچارد فرای در کتاب بخارا دستاورد قرون وسطی به گسترش زمین‌های وقفی در بخارا و اختصاص یافتن درآمد زمین‌های وقفی به نگهداری مدارس، مساجد و بیمارستان‌ها در دوره سامانیان

اشاره کرده است. (فرای، ۱۳۴۸: ۱۳۰، ۲۱۸) فرای همچنین در کتاب عصر زرین فرهنگ ایران، به وقف در دوران اسلامی اشاره‌ای گذرا دارد. (فرای، ۱۳۸۸: ۲۲) بارتولد در ترکستان‌نامه به صورت گذرا به موقوفات امیر اسماعیل سامانی در بخارا پرداخته است. (بارتولد، ۱۳۵۲، ۱: ۲۶۰، ۴۸۹)، باسورث در کتاب تاریخ غزنویان به رباط‌های وقفی ناحیه اسبیجاب در دوره سامانیان اشاره‌ای کوتاه دارد. (باسورث، ۱۳۸۵، ۱: ۳۰) اشپولر در کتاب تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی در چند پاراگراف به موضوع وقف در قرون اولیه اسلامی پرداخته که فرازهایی از آن بر دوره سامانیان منطبق است. (اشپولر، ۱۳۶۹، ۲: ۲۸۷، ۲۸۸)

علی اصغر چاهیان در رساله دکتری خود با عنوان «وقف در ایران از ورود اسلام تا سده هفتم هجری» به روند کلی تحولات اراضی وقفی و تغییر و تحولات تصدی اوقاف، نقش وقف در نهادها و مراکز آموزشی و فرهنگی، مساجد، مدارس و خانقاه‌ها، تأمین معیشت عالمان و طالبان دانش، خدمات درمانی، بهداشتی و رفاهی، رسیدگی به نیازمندان و خدمات وقف در زمینه مسافرت، راه‌ها و تجارت در عصر حکومت‌های متقارن و سلسله‌های غزنوی و سلجوقی و خوارزمشاهی پرداخته است. (چاهیان، ۱۳۹۵: ۴۰-۴۶، ۸۳-۸۸، ۱۴۱-۱۴۵، ۱۵۴-۱۵۹، ۱۶۶-۱۶۹، ۱۷۲-۱۸۴، ۱۹۳-۲۰۲)

همچنین کتب و مقالاتی با موضوع وقف نوشته شده که در تعدادی از این نوشته‌ها به صورت گذرا و در تعدادی نیز در حد چند سطر تا چند پاراگراف به خدمات اجتماعی و فرهنگی واقفان و موقوفات دوره سامانیان اشاراتی شده است.

در مقاله «نقش فرهنگ عمومی ایرانیان در تسهیل مسافرت در سده‌های ۳ و ۴ هجری»، نقش فرهنگ ایرانی در ساختن رباط‌ها، ساباط‌ها، دسکره‌ها و قلعه‌ها، فراهم آوردن امکانات مسافران و رفع نیازهای آنان در عصر حکومت‌های متقارن، بررسی شده که بخشی از آن مربوط به وقف در عصر سامانیان است. (اروجی و چاهیان، ۱۳۹۲: ۷۷-۸۳، ۸۰-۷۰) قسمت‌هایی از مقاله «وقف در خراسان و ماوراءالنهر؛ از پیدایش سامانیان تا پایان غزنویان»، به دوره سامانیان مربوط است. (اروجی و چاهیان، ۱۳۹۶: ۸۱، ۸۲، ۱۰۵-۸۷) در مقاله «بررسی تأثیر وقف بر شکل‌گیری مدارس در ایران دوره اسلامی»، به صورت عام به تأثیر وقف بر شکل‌گیری مدارس ایران در دوران اسلامی در قرون سوم و چهارم در خراسان و ماوراءالنهر اشارات کلی شده است. (مهدی نژاد و مقیمی، ۱۳۶۹: ۵۰، ۵۱)

نورالله کسایی در کتاب «مدارس نظامیه و تأثیرات اجتماعی»، به مدرسه‌ای که ابوالحسن محمدبن شعیب بیهقی در زمان سامانیان در نیشابور وقف کرده بود، اشاره کرده است. (کسایی، ۱۳۷۴: ۷۵) همچنین در مقاله‌ای با عنوان «وقف در خدمت نهادهای علمی و آموزشی»، علاوه بر اشاره به مدرسه مذکور، خراسان بزرگ را

خاستگاه نخستین مدارس در جهان اسلام معرفی کرده است. (کسای، ۱۳۷۸: ۴۵، ۴۶) کسای در مقاله‌های دیگر به خدمات ابن حبان از طریق وقف در تأسیس مدرسه و اختصاص کتاب برای طالبان علم در نیشابور و بُست، پرداخته است. (کسای، ۱۳۷۴: ۷۲، ۷۹، ۸۰)

سید احمد سجادی در مقاله‌ای چهار قسمتی با عنوان «آثار اجتماعی وقف اسلامی» به خدمات اجتماعی وقف پرداخته و در قسمتهای اول و چهارم آن از نوشته‌های کسای درباره جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی وقف در دوره سامانیان، اقتباس کرده است. (سجادی، بهار ۱۳۹۳: ۵۳، ۵۴؛ سجادی، زمستان ۱۳۹۳: ۲-۲۷)

در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، پژوهش حاضر در بردارنده این نظر است که وقف ورای کارکردهای متنوعی که در عرصه‌های اعتقادی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی در دوره سامانیان داشته، از سوی برخی افراد و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی به عنوان روشی برای تثبیت مالکیت دارایی‌ها، کسب اعتبار اجتماعی و حتی مشروعیت سیاسی و مسیری برای خدمت به اعتقادات مذهبی به کار گرفته می‌شد.

## بسترهای اجتماعی و محیطی (جغرافیایی) وقف

### الف - بسترهای اجتماعی

از ویژگی‌های جامعه خراسان و ماوراءالنهر عصر سامانیان، وجود بستری اجتماعی برای کارهای نیک و توجه به نیازهای هموعان است. نوعی همیاری اجتماعی در مناطق مختلف خراسان و ماوراءالنهر در بستر نظام اجتماعی وجود داشته که توانگران را به ارائه خدمات رهنمون می‌کرد. این امر در ماوراءالنهر بیش از خراسان مشهود بوده است. در ماوراءالنهر انجام کارهای خیر و توجه به نیازهای مسافران و غریبان و اسکان‌دادن و پذیرایی کردن از آنها، ساخت پل‌ها و رباط‌ها و وقف درآمد املاک و مستغلات برای رباط‌ها جزئی از فرهنگ مردم بود. مردم ماوراءالنهر، گشاده‌دست و مهمان‌نواز بودند. از غریبان و مسافرانی که به شهرشان وارد می‌شدند و از مهمانان ناشناس و سرزده به خوبی پذیرایی می‌کردند. دهقانان، مالکان و توانگران در خانه خود مهمانسرای شایسته برای مهمانان می‌ساختند و تمامی نیاز مهمانان را تهیه می‌کردند. اسکان و پذیرایی از مسافران از افتخارات مردم ماوراءالنهر بود و در این امر با هم رقابت داشتند. در سغد خانه‌ای بود که بیش از یکصد سال پیوسته درش بر روی مهمانان باز مانده بود. این خانه ظرفیت بیش از صد نفر سوار را داشت و تمامی امکانات و نیازهای خورد و خوراک مسافران و علوفه ستوران در آن فراهم بود. صاحب‌خانه، افرادی را برای رسیدگی و پذیرایی از مهمانان، گماشته بود. مردم ماوراءالنهر اموال خود را در کارهای خیر و امکانات عمومی مانند ساخت پل و رباط

<sup>۱</sup> - رباط به ساختمان‌های کنار راه به‌ویژه در بیرون شهرها و آبادی‌ها گفته می‌شد. (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۳۲)

هزینه می‌کردند. در همه شهرها، منازل بین راه و راه‌هایی که از بیابان‌ها می‌گذشت، توانگران و نیکوکاران ماوراءالنهر رباط‌های متعدد ساخته بودند و اموال و مستغلات وقف کرده بودند. بر در خانه‌های مردم، محله‌ها، مساجد، کاروانسراها، رباط‌ها و گذرگاه‌های عمومی، آب رایگان در اختیار مسافران و رهگذران گذاشته می‌شد. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۷، ۲۲۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵، ۱۹۶) تعداد مکان‌هایی که در آن‌ها در سمرقند آب رایگان در اختیار مسافران و رهگذران قرار داشت، دو هزار مکان بود. (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۹) در شهر بلخ چهارصد گنبد یخدان و سیصد حوض آب سبیلی و هزار و دویست سردابه وجود داشت. در ولایت بلخ رسمی کهن بود که بر اساس آن بخشی از آب جوی‌هایی که در شهرها و از جمله شهر بلخ جاری بود، به آبراه‌ها و جایگاه‌های آب رایگان وقف شده بود. فقرای شهر بلخ سهمی ویژه از آب جوی داشتند و از طریق سقاها آب به صورت رایگان به آنان می‌رسید. یکی از حاکمان بلخ، بخشی از بهای پیراهن مرصع‌کاری شده و گرانبهای خود را صرف تعمیر جوی آب شهر کرد. در بلخ مردمان غریب مورد احترام بود و بر اساس رسمی دیرین نیازهایشان برآورده می‌شد. از ویژگی‌های مردم بلخ کمک به فقیران و نیازمندان بود. (واعظ بلخی، ۱۳۵۰: ۲۱، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۵) بخشی از درآمد دو بازار بالا و پایین دامغان وقف در راه ماندگان بود. (مقدسی، ۱۳۶۲: ۲: ۵۲۱) محمد بن عباس عسیمی از فضلالی هرات، دینارهای زر به فقیران صدقه می‌داد و بخشی از محصولات کشاورزی زمین‌هایش را به نیازمندان اختصاص داده بود. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/ ۱۹۶۲م، ۹: ۲۲۰، ۲۲۱)

ابوجعفر بن سهل بن مرزبان، منشی ابوالحارث بن افریغون حاکم گوزگان، از جمله توانگران و نیکوکاران خراسان بود که در دانش و بخشش مال اشتهار داشت. در خراسان هر کس که محتاج بود و به او مراجعه می‌کرد، مورد احسان قرار می‌گرفت. حتی به نیازمندان مناطق دوردست هم کمک مالی می‌کرد. او املاک و دِه‌های متعددی وقف کرده بود. در هر کدام از این املاک بیش از صد رأس گاو نگهداری می‌شد و متولیان که او گماشته بود، شیر گاوها را به همراه مواد خوراکی دیگر در اختیار رهگذران و مسافران می‌گذاشتند. (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۶۰) در خوارزم نیز انجام کارهای خیر امری رایج بود. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۱: ۴۱۶)

## ب - بسترهای جغرافیایی

۱ - مرزداري - بخش گسترده‌ای از ماوراءالنهر و خوارزم با سرزمین‌های غیرمسلمان هم‌مرز بود. ماوراءالنهر و خوارزم ثغر مسلمانان در برابر ترکان بود. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۹؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۶) در نقاط مرزی رباط‌های متعدد ساخته شده و امکاناتی به آنها وقف شده بود. رباط‌ها در ابتدای امر کارکرد نظامی داشتند و در مناطق مرزی سرزمین‌های اسلامی با هدف اسکان جنگجویان و مرزداران ساخته می‌شدند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ۴: ۳۰) پیشینه ساخت این دسته از رباط‌ها در ماوراءالنهر به زمان

فتوحات مسلمانان در آن ناحیه برمی‌گردد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۸۱؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۲: ۴۰۴) در دوره خلافت عباسیان هر از چندگاهی جهاد در راه خدا در مناطق مرزی ماوراءالنهر انجام می‌شد. فضل‌بن یحیی برمکی در سال ۱۷۸ق. در اسروشنه غذا کرد و در خراسان بزرگ چندین رباط ساخت. (طبری، ۱۳۷۵، ۱۲: ۵۲۶۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ۱۶: ۸۹) ماوراءالنهر دارالحرب بود و مردم آنجا به دلیل موقعیت مرزی سرزمینشان به جهاد بسیار اهمیت می‌دادند و مزداری امری حیاتی بود. (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۹؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۷) انگیزه مذهبی در ساخت رباط و وقف امکانات به آن دخیل بوده و این کار مشارکت در جهاد به شمار می‌رفت. توانگران ماوراءالنهر ثروت خود را در کارهای نیک مانند ساختن رباط، راه و جهاد در راه خدا صرف می‌کردند. آنان رباط‌های متعدد ساخته بودند و اموال و مستغلات به رباط‌ها وقف کرده بودند. (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵، ۱۹۶) در رباط‌ها غذای مسافران و علوفهٔ ستوران به صورت رایگان تأمین می‌شد. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۷، ۲۲۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۵، ۱۹۶) در شهر مرزی دیزک در ماوراءالنهر رباط‌ها و سراهای سبیلی ساخته شده بود. (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۰؛ اصطخری، ۲۲۸) رباط خدیسر که توسط حیدر بن کاووس معروف به افشین بنا شده بود، مهم‌ترین رباط منطقهٔ مرزی دیزک به شمار می‌رفت و نزدیک‌ترین رباط به مرز بود. (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۰؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۰؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۵۸) افشین آبادی‌ها و موقوفاتی به این رباط وقف کرده بود. (ابن‌حوقل، ۲۳۰) در بیکنند رباط‌های متعدد برای مجاهدان ساخته شده بود که منابع به صورت مبالغه‌آمیز تعداد آنها را یک هزار (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۵؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۵؛ حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۶) و سه هزار نوشته‌اند. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۲: ۴۰۴) مردم هر ده از ده‌های بخارا رباطی در بیکنند بنا کرده بودند، افرادی را برای نگهداری رباط‌ها گماشته بودند و هزینهٔ زندگی آنها را از ده خود برای آنان می‌فرستادند. در فصل زمستان که هنگام حملهٔ ترکان فرا می‌رسید، مردم هر ده در رباط خود جمع می‌شدند و به غذای ترکان می‌رفتند. بسیاری از این رباط‌ها تا پیش از سال ۲۴۰ق بنا شده بودند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۵، ۲۶) ناحیهٔ اسبیجاب مرز و نبردگاه بود و ثروتمندان در ناحیهٔ مذکور رباط‌های متعدد ساخته بودند که تعداد آنها را تا هفت هزار نوشته‌اند. مردم شهرهای نخشب، سمرقند و بخارا در شهر اسبیجاب رباط مخصوص خود داشتند. این سه رباط و رباط قراتکین از رباط‌های مشهور اسبیجاب بودند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۳۹۳، ۳۹۴) در شهر یکسانکت در ناحیه اسبیجاب، شخصی به نام خراخراف رباطی ساخته بود که گور او هم در آن بود. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۳۹۶) داوطلبان مزداری در تُموجکت قصبه بخارا فراوان بودند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۰۶) این غازیان به مناطق مرزی فرستاده می‌شدند و در رباط‌های نواحی مرزی اسکان می‌یافتند. فرمانروایان ماوراءالنهر در برابر ترکان، سپاهیان چندصد هزار نفری داشتند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۲۹) اسکان و سازماندهی این سپاهیان نیازمند اماکن خاصی بوده که با توجه به تعداد این جنگاوران

ساخت همه این اماکن از عهده حاکمان برنمی‌آمد. بنابر این، سنت وقف به عنوان نوعی همیاری اجتماعی در ساخت رباط به حکومت‌ها کمک می‌کرد. امیر اسماعیل سامانی روستای شرخ را که از توابع بخارا بود، با ملک و آب و زمین آن خرید و آن را وقف رباطی کرد که در دروازه سمرقند در درون شهر بخارا ساخته بود. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۱) با توجه به این که امیر اسماعیل دو مرحله در سال‌های ۲۸۰ و ۲۹۱ ق به غزای ترکان رفت و در جنگ دوم غازیان زیادی به سپاه او پیوستند، (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۱۸؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۱۸: ۲۹۸؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۱۹: ۵۱) محتمل است ساخت این رباط با جنگ‌های مذکور مرتبط باشد و از آن به منظور پایگاه تجمع غازیان استفاده شده باشد.

به موازات ساخت رباط‌های وقفی و وقف املاک به رباط‌ها در مناطق مرزی، ساخت رباط و کاروانسرا در دیگر مناطق هم رایج بود. هر چند فلسفه وجودی و کارکرد اولیه رباط‌ها به‌ویژه رباط‌های مرزی با کاروانسراها متفاوت است، اما در منابع و نیز در تعاریف متأخرین نوعی همپوشانی معنایی و کارکرد نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و آموزشی مشابه بین این دو نوع بنا به چشم می‌خورد. برای واژه کاروانسرا چندین معنی نوشته شده که سرای کاروان، خان، سرای، خان‌التجار و رباط از جمله آنها است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۲: ۱۷۹۸۴) در تعریف کاروانسرا گفته شده، کاروانسراها به رباط‌های بزرگ که در شهرها و بیرون شهرها ساخته می‌شد، گفته می‌شود. (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۳۲) بر این اساس می‌توان گفت که کاروانسرا و رباط در موقعیت‌های جغرافیایی مشابه گاهی کارکرد مشابه و گاهی کارکرد متفاوت داشته‌اند. ساخت کاروانسراهای وقفی در مناطق مرزی و نواحی داخلی ماوراءالنهر رواج داشته است. شهر مرزی اوش واقع در ناحیه فرغانه کاروانسرای بزرگی داشت و چون به مرز نزدیک بود، داوطلبان مزدداری از اطراف به آنجا می‌رفتند. (مقدسی، ۲: ۳۹۲، ۳۹۳)

در خراسان نیز رباط‌هایی با کارکرد نظامی و مزدداری در مناطق مرزی ساخته شده بود، اما تعداد این دسته از رباط‌ها در خراسان کمتر از ماوراءالنهر بود. خراسان در مرزهای شمال غرب یعنی در نواحی نسا و ابیورد، به سرزمین غزها منتهی می‌شد. فراوه (افراوه) شهری مرزی در نسا در حدود بیابان بود. حدود هزار تن از مزدداران با ساز و برگ نظامی در آنجا مستقر بودند و همواره گروه‌هایی برای مزدداری به آنجا می‌رفتند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۷۹، ۱۸۰) بخشی از درآمد دو بازار بالا و پایین دامغان وقف رباط افراوه و رباط دهستان واقع در روستای دهستان از توابع گرگان بود که نزدیک بیابان قرار داشت. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۵۲۱، ۵۲۲) در رباط افراوه جنگ‌افزار فراوان در اختیار مردان سوارکار بود. در ولایت نسا رباط دیگری به نام شهرستانه در کرانه بیابان ساخته شده بود که اطراف آن را شن‌های روان گرفته بود. در نزدیکی ابیورد رباط کوفکن بنا شده بود. در پشت رباط کوفکن ابوالقاسم میکائیلی دو رباط ساخته بود و مال فراوان برای این رباط‌ها هزینه کرده بود و وسایل و ابزار فراوان در

آنها گذاشته بود و املاکی برایشان وقف کرده بود، چاههای آب شیرین حفر کرده و آبادیها ساخته بود. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۸۸، ۴۶۹) از ابوالقاسم علی بن اسماعیل میکائیلی به عنوان یکی از علمای نیشابور، فردی مشتاق به کارهای نیک، مجاهد، غازی و مدافع حریم اسلام یاد شده است. او در خراسان و در مرز با رومیان در طرسوس در جنگها شرکت کرد. سپس در یکی از رباطهای وقفی افزوده در جوار دیگر غازیان اقامت گزید و در همانجا از دنیا رفت. (سمعی، ۱۳۸۲/ق/۱۹۶۲ م ۱۲: ۵۳۰)

خراسان در جنوب شرق با ناحیه غور هم‌مرز بود. غور سرزمین کافران بود و سرزمینهای مسلمانان اطراف آن را احاطه کرده بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۷۸) برای حفاظت از سرزمین مسلمانان در مرز غور، کاروانسرای به نام ورونک بنا شده بود که نگهبانان و داوطلبان و اسبهای وقفی و جنگافزار از همه جا به آن می‌رسید. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۴۶)

۲ - تسهیل تجارت - قسمتی از اطراف ماوراءالنهر و خوارزم را بیابان فراگرفته بود. بخش‌هایی از خراسان به بیابان خوارزم و غور متصل بود. (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۵۵؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۵) اطراف شهر گرگانج را شن‌های روان (حموی، معجم‌البلدان، ۱۹۹۵، ۲: ۳۲۰) و اطراف دو شهر آمل و زم را که در کنار جیحون بودند، بیابان فراگرفته بود. میان آمل و سرزمین غزا بیابانی بود که چاه آب و چارپایان و چرنده در آن کم بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۸۵) در سمت شرق ماوراءالنهر بیابانی صعب‌العبور و بی‌آب و علف بود که از اطراف به تبت، هند و سرزمین خلخ محدود می‌شد. (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۵۴)

ماوراءالنهر و خراسان در مسیر شاهراه خراسان (کاتب بغدادی، ۱۳۷۰: ۳۲-۴۱؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۷، ۱۴۹) و راههای تجاری هند و چین (مسعودی، ۱۳۷۴، ۱: ۱۵۴، ۹۴؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۱۵۵، ۲۴) واقع بودند و از طریق خوارزم با سرزمین خزران رابطه تجاری داشتند. میان ماوراءالنهر و سرزمین‌های ترکان روابط تجاری برقرار بود. بازرگانان ماوراءالنهر و غزا و خزرها به شهرهای خوارزم رفت و آمد داشتند. (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۲۲، ۱۲۳؛ اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۳۸) نیشابور از جمله مراکز عمده تجاری بود. مسافران و کاروان‌های بازرگانی به آن رفت و آمد داشتند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۸) و دروازه سند و کرمان و فارس و بارانداز خوارزم و ری و گرگان بود. (مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۴۶۰)

این موقعیت تجاری احداث رباطها و کاروانسراها و دیگر اماکن وقفی، با کارکرد اقتصادی و تجاری را ضرورت بخشیده بود. نیکوکاران قشرهای مختلف جامعه اموال خود را وقف ساخت و نگهداری کاروانسراها و رباطهای تجاری و امکانات مورد نیاز آن می‌کردند. رباطهای متعدد در راه‌هایی که شهرها را به هم متصل می‌کرد (ابن



حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۲۴۱؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۶) و رباطها و کاروانسراهای بسیار در شهرها (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۰۶؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۷، ۱۶۸) ساخته شده بود. در کاروانسراهای سمرقند آب و یخ خیراتی در دسترس مسافران و مردم قرار داشت. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۶) ساباطهایی (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۹۶) به منظور آسایش و استراحت رهگذران و مسافران در شهرها و بیرون شهرها بنا شده بود. (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۳۱) ابوالحسن محمدبن حسن ماه که از پیشگامان کار نیک به شمار می‌رفت، رباطهای متعدد ساخته بود که از جمله آنها رباط معروف میله بود. این رباط پناهگاه مردم در هنگام ترس و وحشت و احتمال خطر جانی و باریدن برف و سرما بود. جایی استوار بود و خانه‌های متعدد داشت و پادشاهی با سپاه خود می‌توانست در آن اقامت کند. این شخص رباطهایی استوار و مهمی هم در قبادیان، شومان، صرمنجی و چغانیان ساخته بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۸۸)

به اسدآباد که در مسیر شاهراه خراسان بود و از توابع نیشابور به شمار می‌رفت، وقف مسافران بود. مسافران می‌توانستند بدون هزینه سه روز در آنجا اقامت کنند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۷۴) در بیابان فارس و کرمان که شاخه‌ای از راه‌های آن به خراسان متصل می‌شد، جز از طریق «راه‌شناسی و آگاهی از منازل و رباطهایی که برای راهپیمایان وقف شده» بود، مسافرت ممکن نبود. منزلگاه‌هایی که در این بیابان ساخته شده بود که پناهگاه مسافران بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۴۱) در دو سوی جیحون دو رباط ذوالقرنین و ذوالکفل ساخته شده بود که جریان تجارت را میان خراسان و ماوراءالنهر تسهیل می‌کرد. (مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۴۸۸)

امیر نوح بن نصر رباط انکره سرخس در یک منزلی سرخس را بنا کرده بود. (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۶۹) در محلی به نام آب شتران در مسیر راه نیشابور به اصفهان، ناصرالدوله ابوالحسن ابن سیمجور سپهسالار سامانیان، کاروانسرای مستحکم ساخته بود که گروهی از آن نگهبانی می‌کردند. (مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۷۲۵، ۷۲۶) در شهر مرزی میرکی در ناحیه اسبیجاب، عمیدالدوله فائق در بیرون باروی شهر کاروانسرای ساخته بود. (مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۳۹۷) در بیشتر کاروانسراهای سمرقند و دیگر مکانهای آنجا آب و یخ خیراتی و رایگان در دسترس مسافران و مردم قرار داشت. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۹۶) ابوجعفر بن سهل بن مرزبان برای رهگذران و مسافران رباطهای متعدد بنا کرده بود و زمین‌های زیادی وقف این رباطها کرده بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۶۰)

### کارکردهای علمی و آموزشی وقف

**الف - بسترهای حاکمیتی و اجتماعی ترویج علم -** استقرار امنیت و آرامش و یکپارچه شدن حکومت خراسان، ماوراءالنهر و خوارزم تحت امارت سامانیان به امنیت اقتصادی و بازرگانی، گسترش شهرها و رشد انواع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمک کرد. رونق یافتن فعالیت‌های پیشه‌وری، امنیت تجارت و برقراری رفاه نسبی در

شهرها و حتی نواحی روستایی، در افزایش گرایش به آموختن و ترویج علم مؤثر واقع شد. (مقدسی، ۱۳۶۲، ۱: ۴۶-۴۹؛ مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۴۰۱، ۴۰۲؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۷۷) در نُموجکث قصبه بخارا، توده مردم با فقه و ادبیات سر و کار داشتند. (مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۴۰۶) نیشابور همانند دوره طاهریان، در حکومت سامانیان دوره دیگری از رونق اقتصادی و علمی را تجربه کرد. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۶۹؛ مقدسی، ۱۳۶۲، ۲: ۴۵۹) در خراسان و ماوراءالنهر عالمان از موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار بودند. در آشفتگی سیاسی پس از سقوط طاهریان که شهرهای خراسان و ماوراءالنهر عرصه کشمکش مدعیان قدرت و صحنه کشتار و غارت شده بود، ابو عبدالله محمد بن احمد بن حفص، پسر خواجه ابو حفص کبیر، که جایگاه علمی و دینی بالایی داشت، از نصر بن احمد سامانی امیر سمرقند و فرغانه، درخواست کرد امیری برای بخارا بفرستد که اوضاع آنجا را سر و سامان دهد و امنیت برقرار کند. او برادرش اسماعیل را به بخارا فرستاد. هنگام ورود اسماعیل به بخارا (رمضان ۲۶۰ ق)، به دستور ابو عبدالله محمد بن احمد بن حفص، مردم شهر با زر و سیم از او استقبال کردند. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۰۶ - ۱۰۹)

مدارای اعتقادی و دانش‌دوستی امیران سامانی که شخصیت‌های اندیشمند مانند ابو عبدالله جیهانی (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۳۰) و ابو الفضل بلعمی را به وزارت می‌نشانند و دانشمندان و فقیهان در حضورشان به مباحث اعتقادی می‌پرداختند، (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۵۸) در جذب عالمان، اندیشمندان و ادبا از شهرهای مختلف به دربار بخارا، و انتصاب آنان به مناصب حکومتی و نیز در ترویج علم نقش بارزی داشته است. (ثعالبی، یتیمه الدهر، ۱۴۲۰ ق، ۴: ۷۱-۱۲۳) در کتابخانه دربار بخارا کتب مربوط به علوم مختلف نگهداری می‌شد. (قفطی، ۱۳۷۱: ۵۵۸) دقت در زندگی علمی ابن سینا نشان می‌دهد که وی پیش از راه یافتن به دربار بخارا، در منطق، مابعدالطبیعه، ریاضیات، الهیات و پزشکی به درجه بالایی از پیشرفت علمی رسیده بود. (حموی، معجم‌الادبا: ۱۹۹۳، ۳: ۱۰۷۱؛ قفطی، ۱۳۷۱: ۵۵۸) یافتن کتاب مابعدالطبیعه فارابی نزد یکی از کتابفروش‌های بخارا توسط ابن سینا، نشان می‌دهد که همزمان با آموزش‌های علمی، کار تهیه متون علمی در شهری مانند بخارا روندی معمول بوده است. (حموی، معجم‌الادبا، ۱۹۹۳، ۳: ۱۰۷۱) وجود شخصیت‌های علمی با پسوند کاغذی، فروشندگان کاغذ و بازار کاغذفروشان (خان‌الکواغذین) در سمرقند، گواه روشنی بر رونق بازار کتاب در قرن سوم و چهارم است. (نسفی، ۱۳۷۸: ۷۰، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۸۷) حاکمان خوارزم دانش‌دوست بودند و از دانشمندان حمایت می‌کردند. (ثعالبی، یتیمه الدهر، ۱۴۲۰ ق، ۴: ۲۷۸؛ فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ۱۴۷، ۱۴۸)

**ب- رباطها، مساجد و منزل علما-** پیش از تأسیس مدارس، نخستین قدم‌ها برای آموزش و ترویج علم و ایجاد مکان علمی و آموزشی توسط عالمان و اندیشمندان برداشته شده

که حلقه‌های درس خود را در مساجد، رباطها، سکه‌ها (گذرها) و در منزل خود و کاروانسراها (خان‌ها) برگزار می‌کردند. (نسفی، ۱۳۷۸: ۸۱، ۸۲، ۱۲۲، ۱۹۶، ۲۲۶، ۳۱۲، ۳۴۷) رباطهایی که در زمان فتوحات ساخته شده بودند، پس از فروکش کردن فتوحات و برقراری آرامش در مرزها، کارکرد نظامی خود را از دست دادند (فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ۱۸۵) و در خدمت آموزش قرار گرفتند. از شهر بیکند از قیل رباطهای آنجا علمای بسیار برخاسته بودند. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۲: ۴۰۴) در سمرقند رباطهای مربعه، نصر بن جابر، محفوظ و کاسورغ و رباط جوبق در نسف (نخشب) مکان روایت و املائی حدیث عالمان بود. (نسفی، ۱۳۷۸: ۱۲۲، ۱۵۰، ۱۵۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۸۱، ۳۳۴، ۴۲۵) ابو محمد عبدالجلیل بن مذکور سغدی در سفر حج سال ۳۴۹ق در خان حنظله نیشابور حدیث روایت می‌کرد. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۸: ۳۱۴) ابو عمر قطان از علمای نیشابور در رباط وقفی افراوه واقع در مرز خراسان و غزها به نشر علم مشغول بود. ابو نعیم محمد بن القاسم، از علمای نیشابور، در افراوه صاحب رباط بود. (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۲۶، ۱۲۷) ابوالحسن محمد بن حسن ماه در رباطهایی که در ترمذ ساخته بود «وظیفه و مقرری برای مسافران و نفقه مستمری برای ساکنان آنها از فقیهان و طالبان دانش تعیین کرده» بود. (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۷۸)

رباطها محلی برای حضور صوفیان و زاهدان نیز بوده‌اند. (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۳۰۲) ابو سلمه نصر بن محمد صوفی اهل ایلاق در سفر حج در رباط امیر واقع در دروازه دستان شهر سمرقند به روایت حدیث می‌پرداخت. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۱: ۴۱۳) ابو عبدالله محمد بن موسی بن علی بن عیسی ضریر رازی در خانه‌اش واقع در جویبار بکار شهر بخارا برای شاگردان خود حدیث می‌گفت. (نسفی، ۱۳۷۸: ۵۳۶) خواجه ابو حفص احمد بن حفص (امام ابو حفص کبیر) فقیه مشهور بخارا، در مسجد به مردم علم می‌آموخت. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۷۸، ۷۷) در دو مسجد جامع مرو، اندرزگران دانشمند به آموزش مردم مشغول بودند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۵۳) ابو حامد احمد بن اسماعیل بن جبرئیل نیشابوری جلسات درس خود را در مسجد مربعه نیشابور برگزار می‌کرد و در سال خوردگی، درس خود را در منزلش ادامه داد. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۸: ۲۹۶) خواجه حلیم‌الدین دیمونی فقیه شافعی خانه خود را در بخارا تبدیل به خانقاه و وقف صوفیان کرده بود. (معین‌الفقراء، ۱۳۷۰: ۷۰) پس از درگذشت عالمان و اندیشمندی که نقش استادی داشتند، جریان آموزش توسط شاگردان آنها ادامه می‌یافت (معین‌الفقراء، ۱۳۷۰: ۱۸، ۱۹) و در مواردی منزل علما و خانقاه‌های مشایخ صوفیه کارکرد آموزشی خود را حفظ می‌کردند.

**ج - مدارس -** در منابع به حمایت امیران حنفی مذهب سامانی از مدارس حنفیان و اختصاص دو مدرسه موجود در بخارا، مدرسه‌ای که احمد بن حسن بن عتبی وزیر سامانیان و مؤلف تاریخ یمینی ساخته بود و نیز مدرسه فارچک،

(نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۷، ۱۳۱) به حنفیان اشاره نشده است. تدریس اصول مذهبی فرقه‌های مختلف در سمرقند (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۰۱) و وقف دو دانگ از ده برکد بخارا به علویان و جعفریان (شیعیان) (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲) توسط امیر اسماعیل سامانی نشان از رواداری مذهبی سامانیان و حمایت اجتماعی آنان از پیروان دیگر مذاهب اسلامی دارد. ضیاع (زمین آبی) و بیابان (زمین دیمی) افشانه از توابع بخارا، وقف طالبان علم بود. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲) وقف زمین‌های افشانه به جویندگان دانش می‌تواند نشانه‌ای از این باشد که شاگردان مدارس بخارا، از درآمد حاصل از این زمین‌ها برخوردار می‌شدند. محمد بن لقمان بن نصر از امیرزادگان سامانی مکانی برای اهل علم ساخت، موقوفاتی برای هزینه تحصیل و زندگی دانشجویان آن اخصاص داد و آن‌ها را در آن ساکن کرد. (ابن نقطه، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۷۸ م، ۳: ۱۲۲) منزلت ابوحفص کبیر به عنوان یکی از فقیهان طبقه اول و راویان حدیث (شیبانی، ۱۳۵۶ ق: ۵) و مراجعاتی که شاگردانش به وی داشته‌اند، (معین الفقراء، ۱۳۷۰: ۱۸، ۱۹) سبب پیوستگی جریان آموزش بعد از وی توسط فرزند و شاگردانش شد. مدرسه ابوحفص در بخارا در زمان ابوحفص فقیه، فرزند ابوحفص کبیر، وقف شده بود و أبو بکر محمدبن أحمدبن علی بن شاهویه فارسی، مدتی در آن تدریس کرده است. (سمعانی، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م، ۸: ۴۷) تأسیس مدرسه مأمون به ابوالعباس مأمون بن محمد امیر گرگانج (ثعالی، یتیمه الدهر، ۱۴۲۰ ق، ۴: ۲۷۸) نسبت داده می‌شود و حضور ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا به دربار گرگانج (خوارزم) در مدرسه مذکور، مربوط به زمان فرزند مأمون است. (فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ۱۴۷، ۱۴۸)

ساخت مدرسه و وقف اماکن و امکانات به فعالیت‌های علمی و آموزشی در خراسان دامنه بیشتری داشته است. یکی از دلایل این امر می‌تواند کیفیت فتح خراسان در مقایسه با ماوراءالنهر باشد. خراسان زودتر به دست مسلمانان فتح شد، مردمش داوطلبانه مسلمان شدند و صلح را برای سرزمین خود خریدند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۲۶) نیشابور در قرن سوم و چهارم از مراکز علمی خراسان بود و آموزشگاه‌های بانظم داشت. هر روز مجلس مناظره در آنجا برگزار می‌شد. دانشمندان و فقیهان و پیشوایان دینی صاحب‌نظر و اندیشمند در آن حضور داشتند و مردم از جاهای مختلف برای آموختن علم به نیشابور می‌رفتند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۳۸۱، ۴۵۹، ۴۶۰) بیشتر مدارس نیشابور در دوره سامانیان توسط شافعیان تأسیس شده بود. با وجود نشانه‌هایی که از تساهل امیران سامانی و حمایت اجتماعی آنان از علویان (شیعیان) وجود دارد؛ (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۰۱؛ نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲) افزایش و گسترش مدارس شافعیان در خراسان و به‌ویژه نیشابور به واکنش پیروان مذهب شافعی، به بی‌توجهی خلفا و حکام حنفی مذهب به مذهب شافعی نسبت داده شده است. (غُنیمة، ۱۳۷۲: ۱۱۳) امام ابوالحسن محمدبن شعیب بیهقی مفتی شافعیان مدرسه کوی سیار را که به آن مدرسه بیهقی می‌گفتند، در نیشابور بنا کرده بود. بیهقی نزد ابو الفضل بلعمی وزیر سامانیان جایگاه بالایی داشت و در حضور او مسائل شرعی را تحلیل می‌کرد. (علی‌بن زید بیهقی،

۱۳۶۱:۱۵۸) ابو عبدالله حاکم بیع از شاگردان مورد اعتماد ابوبکر محمد بن اسحاق صبغی بنیانگذار مدرسه وقفی دار السنه نیشابور بود. این اعتماد موجب شد که صبغی مدیریت و تولیت اوقاف مدرسه مذکور را به او بسپارد و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به موقوفات بر نظر او تکیه کند. (فارسی، ۱۳۶۲ش/۱۴۰۳ق: ۶) پس از درگذشت ابوبکر صبغی، پسرش عبدالله بن ابوبکر که فردی ادیب، فقه و متکلم بود، مدتی در آن مدرسه فتوا می‌داد. (الأنساب، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۸: ۲۷۸) از محمد بن مأمون علی ابوبکر ابیوردی به عنوان یکی دیگر از متولیان مدرسه بیهقی یاد شده است. (فارسی، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۳ق: ۷۳)

از جمله وظایف مهم ابوصالح مؤذن در مدرسه بیهقی، حفظ و صیانت از نسخه‌های خطی حدیثی و نگهداری از کتب حدیثی وقفی بود که در خزینه‌های مدارس نیشابور و نزد مشایخ این شهر نگهداری می‌شد. او متولی وقف‌هایی بود که برای دانشمندان حدیث اختصاص داشت، از جمله توزیع و مصرف جوهر برای نوشتن، کاغذ، و سایر ابزارهای نگارش حدیث برای محدثان و شاگردان علم حدیث. نظارت بر موقوفات مدرسه بیهقی، نظارت بر ساخت و ساز و تعمیرات آن، ساماندهی منابع و امکانات این مدرسه، دریافت صدقات و خیرات از رؤسا و تجار و رساندن آن به نیازمندان از جمله مستحقان، افراد آبرومند، بیوه‌زنان، یتیمان و نیازمندان دارای معلولیت، از دیگر خدمات مؤذن در مدرسه بیهقی بود. (فارسی، ۱۳۶۲ش/۱۴۰۳ق: ۱۳۳) مدرسه مذکور حدود دو قرن بعد از وفات بیهقی توسط احمد القطان مرمت شد. (علی‌بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۳۶) ابوالعباس اسفراینی وزیر سامانیان به درخواست ابوالحسن علی‌بن حسین بیهقی مدرس مدرسه کوی سیار نیشابور که از شاگردان و خواص وزیر بود، هزینه زندگی دو تن از اساتید آن مدرسه یعنی ابواسحاق اسفراینی و ابومنصور عبدالقاهر بغدادی را تأمین کرد. (علی‌بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۷۲) قراتکین اصفه‌دی پدر منصور قراتکین در نیشاور برای امام یوسف بن جعفر نیشابوری مدرسه‌ای ساخته بود که در آن تدریس کند. (علی‌بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۰۴) ابوحاتم محمد بن حبان بستی از عالمان خراسان و قاضی برخی شهرهای خراسان و ماوراءالنهر و استاد علوم دینی در نیشابور، (حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵، ۱: ۵۳۸) مدرسه‌ای در باب رازیان نیشابور ساخت و در آنجا تدریس کرد. (سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۲: ۲۲۵) ابن حبان در اواخر عمر به زادگاهش بُست بازگشت و خانه خود را وقف نمود و به مدرسه تبدیل کرد و در اختیار شاگردانش گذاشت. او به شاگردان مدرسه‌اش جیره و مواجب می‌داد. همچنین کتاب‌هایش را وقف کرد و در منزل خود گذاشت و کتابخانه‌ش را به وصی خود سپرد که بر آن نظارت کند و در اختیار طالبان دانش قرار دهد که در همانجا از کتابها استفاده کنند. (حموی، معجم البلدان، ۱۹۹۵، ۱: ۵۳۹؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، ۲: ۲۲۶) برخلاف نظر ابن کثیر که مدرسه شاپورین اردشیر در کرخ بغداد را نخستین مدرسه وقف‌شده به عالمان دینی می‌داند، (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م، ۱۱: ۳۱۲) مدرسه و کتابخانه ابن حبان بستی سال‌ها پیش از مدرسه شاپورین اردشیر وقف طالبان علم شده

بود. ابوالفتح ارغیانی پس از کسب علم در شهرهای مختلف خراسان و انجام حج، شغل قضاوت را ترک کرد، به اختیار خود از دستگاه قضایی خارج شد و با مال خود دویزه‌ای (خانه کوچک) برای صوفیان و فقها ساخت. (فارسی، ۱۳۶۲ش/ ۱۴۰۳ق: ۳۸۴) اسماعیل بن نجید بن احمد که از پدران مال فراوانی به ارث برده بود، آن را صرف علما و شیوخ زاهد کرد. (سبکی، ۱۴۱۳ق، ۳: ۲۲۲) در مدارس به مردم فقیر هم خدمت‌رسانی می‌شد. ابوالعباس صوفی چندین سال خدمتکار فقرا در مدرسه حداد نیشابور بود. (فارسی، ۱۳۶۲ش/ ۱۴۰۳ق: ۱۴۶) شیخ علی احمد موسی مروان پارسی از فقهای بلخ "هر سال پنجاه هزار دینار و پنجاه هزار قفیز گندم و دو نوبت جامه خاص خود به طلبه علم" می‌داد. (واعظ بلخی، ۱۳۵۰: ۲۹۷) بعد از مدرسه میان دهیه که آن را ابواسحاق ابراهیم بن محمود مالکی مذهب معروف به قطان ساخته بود، مدرسه دیگری توسط مالچی‌ها در نیشابور ساخته نشد. (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۴۱)

در مروشاهجان مدارس دایر شده بود و دانشجویان مدارس مواجب داشتند. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲: ۴۵۳) مرو، مرورود و توس از مراکز تحصیل علوم دینی بودند و طالبان علم به این شهرها سفر می‌کردند. (فارسی، ۱۳۶۲ش/ ۱۴۰۳ق: ۳۸۳، ۳۸۴) هر چند ممکن است تعداد مراکز آموزشی بلخ مبالغ‌آمیز باشد، اما گفته شده در قرن سوم چهارصد مدرسه آباد و نهصد دبیرستان در بلخ دایر بوده و هزار و دویست مفتی در آن شهر فتوا می‌گفتند. (واعظ بلخی، ۱۳۵۰: ۲۱) محمد بن عباس عصمی از فضایی هرات، یکدهم محصول زمین‌هایش را به نیازمندان و اهل علم هرات اختصاص داده بود و اهل علم هرات در طول سال از محصولات او امرار معاش می‌کردند. (سمعی، ۱۳۸۲ق/ ۱۹۶۲م، ۹: ۲۲۰، ۲۲۱) بنیانی که در عصر سامانیان در مدارس وقفی گذاشته شد، آنچنان استوار بود که در زمان سلطان محمود غزنوی در ختلان «بیست و اند مدرسه» برقرار بود «با اوقاف بهم، و به همه روزگاران آنجا ملکی بود مطاع و محتشم». (ابوالفضل بیهقی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۵۶) نقش سیاست‌های مذهبی و جانبداری حکومت‌ها از مذهب مورد اعتقاد خود در زمینه مدارس، به صورت آشکار در عملکرد غزنویان دیده می‌شود. در مقابل مدارس شافعی که در عصر سامانیان به تعداد زیاد ساخته شدند، در طلیعه حکومت غزنویان، محمود غزنوی و برادرش امیر نصر اقداماتی برای ساخت مدارس ویژه پیروان مذهب حنفی صادر کردند. محمود غزنوی هنگامی که سپهسالار سامانیان در خراسان بود، فقیهی به نام ابوصالح تبانی را مأمور کرد که به غزنه برود و امامت و امور آموزشی حنفیان را بر عهده بگیرد. تبانی در غزنه در مدرسه دروازه بستان آموزش حنفیان را آغاز کرد. (ابوالفضل بیهقی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۴۶) امیر نصر بن سبکتگین برای آموزش حنفیان با صرف مال بسیار در نیشابور مدرسه‌ای ساخت و زمینهای فراوان بر آن وقف کرد. (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۲۰۴)

**وقف اماکن مذهبی و عام‌المنفعه**

ساخت مسجد، پل، جوی‌ها و کانال‌های آبرسانی که در زندگی عموم مردم نقش داشته و وقف درآمد مستغلات برای این‌گونه بناها، از جمله دیگر مظاهر وقف و امور خیر در خراسان و ماوراءالنهر است. طیف گوناگونی از اقشار اجتماعی اعم از امیران، دولتمردان، عالمان، مردمان ثروتمند و حتی افراد پایین‌دست جامعه و نیز غیرمسلمانان در این‌گونه امور نقش داشتند. این‌گونه از وقف، مشارکت اجتماعی را به نمایش می‌گذاشت و هزینه‌های حکومت را کاهش می‌داد. افزون بر این، امکان توزیع امکانات را برای استفاده گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه فراهم می‌کرد.

احمدبن حسن بن عتبی وزیر سامانیان، در بخارا مسجدی بنا کرده بود. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۶، ۳۷) امیر اسماعیل سامانی نستان صحرای دشتک را که درآمد فراوان داشت وقف مسجد جامع بخارا کرد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۹، ۴۰) در سبزوار مردم برای ساخت مسجد آدینه از پیرزنی کمک خواستند که باغی داشت و از طریق نخریسی زندگی می‌گذراند. این زن باغ خود را وقف ساخت مسجد آدینه کرد و هزینه‌های ساخت مسجد را هم بر عهده گرفت. (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۴۹) درآمد دکان‌های بازار محله سرطاق سمرقند برای مرمت و نگهداری جوی آب شهر، وقف شده بود. این جوی را از زمان پیش از اسلام زرتشتیان سمرقند نگهداری می‌کردند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۴۷؛ معین‌الفرعاء، ۱۳۷۰: ۱۶، ۱۵) مردی زرتشتی بر روی رود هرات در غور پلی ساخته و نام خود را بر آن نوشته بود. یکی از سلاطین خواسته بود نام خود را بر آن پل بنویسد. مرد زرتشتی به گفته برخی مسلمان شده و به گفته برخی دیگر خود را به رودخانه انداخته بود. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲؛ ۴۸۳، ۴۸۲) این موضوع تلاش واقفان و حاکمان برای ماندگار کردن نام خود از طریق وقف را می‌رساند. مسیحیان سمرقند عبادتگاهی در محلی به نام وزگرد واقع در روستای ساودار داشتند، که موقوفات بسیار داشت. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۲۵۲)

نصر بن احمد سامانی در فربر کاروانسرای ساخته بود که در آنها از در راهماندگان پذیرایی می‌شد. (مقدسی، ۱۳۶۲: ۲؛ ۴۲۲) بوسعد عبدالملک پسر بوعثمان محمد، زاهد و فقیه شافعی در نیشابور جان و مال در خدمت غریبان و فقیران گذاشت. او بیمارستانی ساخت و موقوفات بسیار برایش وقف کرد. (حموی، معجم‌البلدان، ۱۹۹۵: ۲؛ ۳۶۱) قراتکین از جمله سپاهیان سامانی بود که «در مدت عمر خود مالک ده و مزرعه نبود» و اعتقاد داشت «سپاهی باید با تمام دارایی خود همراه باشد تا تعلق خاطری بچیزی که ثابت و مستقر باشد، نداشته باشد». (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۹؛ ۲۴۴) قراتکین در کنار رباطی که در قصبه اسبیجاب ساخته بود، بازاری وقف کرده بود که هر ماه هفت هزار درهم درآمد داشت و تمامی آن هزینه خورد و خوراک بینوایان می‌شد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲؛ ۳۹۴) ابوالحسن محمد بن حسن ماه در ترمذ بیمارستانی ساخته بود و زمین‌هایی برای تأمین مخارج آن وقف کرده بود. همین شخص زندانی ساخته بود و هزینه‌های آن را تأمین می‌کرد. (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۸۸، ۱۸۷) ابوالعباس جعفر بن محمد خیر وزیر

سامانیان، اوقافی که به آن اسباب اجارتی می‌گفتند، در بیهق وقف کرده بود. (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۲۶۵) ابوحفص احمد بن محمد فارسی شاهینی در سمرقند موقوفات بسیاری داشت که آن را برای کمک به فقرا در روز عاشورا و دیگر مواقع اختصاص داده بود. (سمعانی ۱۳۸۲/ق/۱۹۶۲م، ۸: ۴۹) امیر احمد بن علی بن اسماعیل میکائیلی رئیس نیشابور و از خاندان مشهور میکائیلیان، دارایی خود را وقف کرده بود. (علی بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۱۱۷) خاندان میکائیلیان در خراسان املاک وقفی بسیار داشتند که هنگام زندانی شدن حسنک وزیر در زمان سلطنت مسعود غزنوی، اداره آنها با مشکل مواجه شده بود. (ابوالفضل بیهقی، ۱۳۷۴: ۱/۳۳) ابوجعفر حمویه بن علی از سرداران حکومت سامانی در نیشابور موقوفاتی داشت که در زمان حضور ثعالبی در آن شهر موجود بودند. (ثعالبی، یتیمه الدهر، ۱۴۲۰، ۴: ۵۰۴)

امیران سامانی به گروه‌های خاصی مانند علویان، فقیران و موالی خود نیز توجه ویژه داشتند. برکد دهی بزرگ از توابع بخارا بود و آن را برکد علویان می‌خواندند، چرا که امیر اسماعیل سامانی آن را خریده و دو دانگ آن را بر علویان و جعفریان، دو دانگ بر درویشان (مستندان) و دو دانگ بر ورثه خود وقف کرده بود. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲) امیر اسماعیل در جوی مولیان که زمین‌هایش گرانتر از دیگر جاهای بخارا بود، بوستان‌ها و سراها ساخت و بیشتر آنجا را وقف موالی خود کرد. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۹)

#### اداره موقوفه‌ها

تأسیس دیوان وقف در کنار سایر دیوان‌های حکومت سامانیان در اوایل آن حکومت، (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۶) نشان‌دهنده گسترده‌گی دامنه وقف و اهمیت موقوفات در حکومت سامانی است. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۳۶) وظیفه این دیوان نظارت بر امور اوقاف بود. (فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ۷۴) از ابوالحسن علی بن ابراهیم طغامی با عنوان "صاحب‌الاقاف" یاد شده است. (سمعانی، ۱۳۸۲/ق/۱۹۶۲م، ۹: ۷۵) ، ۷۶) به نظر می‌رسد وی یکی از صاحب‌منصبان مرتبط با وقف در دوره سامانیان بوده است. قضات از طرف دیوان وقف بر موقوفات نظارت می‌کردند. درآمد اوقاف در خزانه اوقاف نگهداری می‌شد؛ و آنطور که از بدیع همدانی شاعر عصر سامانیان نقل شده، برخی قضات در خزانه اوقاف دخل و تصرف می‌کردند. (ثعالبی، آداب الملوك، ۲۰۰۵م: ۱۳۹) احتمالاً در دوره سامانیان همانند زمان غزنویان یکی از قضات عالی‌رتبه مسئولیت رسیدگی به امور اوقاف را بر عهده داشته است. پس از عزل حسنک وزیر امور اوقاف خاندان میکائیلی که حسنک از آن خاندان بود، چار اختلال شد و قاضی صاعد از سلطان مسعود غزنوی درخواست کرد دستوری صادر کند که اوقاف مذکور به حال سابق برگردد. سلطان مسعود به قاضی بوسعید مختار دستور داد که به اوقاف مذکور رسیدگی کند. (ابوالفضل بیهقی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۳) محمود غزنوی به قاضی القضاة ابومحمد عبدالله ابن محمد ناصحی دستور داده بود که به تخلف یکی از قضات



خراسان در مال اوقاف رسیدگی کند. (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۷۵) هر چند منابع به صورت روشن به شیوه نظارت دیوان اوقاف بر موقوفات اشاره ندارند، اما نمونه‌هایی از تولیت اشخاص بر موقوفات را ارائه می‌دهند. ابو عبدالله حاکم بیع از سوی ابوبکر محمد بن اسحاق صبغی تولیت مدرسه دارالسنه نیشابور را بر عهده داشت. (فارسی، ۱۳۶۲ش/۱۴۰۳ق: ۶) ابوصالح مؤذن محدث و صوفی نیشابوری، متولی مدرسه بیهقی نیشابور و ناظر موقوفات مدرسه مذکور بود. (فارسی، ۱۳۶۲ش/۱۴۰۳ق: ۱۳۳) عبدالعزیز بن عبدالله ابوالقاسم دارکی از بزرگان فقه شافعی، اداره اوقاف ابی عمرو خفاف را بر عهده داشت. (سبکی، ۱۴۱۳ق: ۳۳۰، ۳۳۱) واقفان شرایطی برای دارایی‌های وقفی تعیین می‌کردند. از جمله این شرایط مشخص کردن اشخاص یا گروه‌هایی بود که دارایی وقف آنان می‌شد. امیر اسماعیل سامانی هنگام وقف ده برکد بر علویان و جعفریان، درویشان (مستمندان) و ورثه خویش، برای هر کدام از این سه گروه دو دانگ از ده مذکور تعیین کرده بود. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۲) تا سال ۱۹۲۰م در بخارا محله‌ای وجود داشته که بازماندگان سامانیان در آن ساکن بودند و با استفاده از درآمد زمین‌های وقفی زندگی می‌کردند. (چخوویچ، ۱۳۷۹: ۷، ۸؛ فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ۲۱۸) موقوفات مطابق شرایطی که واقف تعیین می‌کرد، اداره می‌شدند و فروش و بخشش آن‌ها به اشخاص مجاز نبود. (فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ۲۱۹) با وجود ایراداتی که بر تاریخ بازنویسی اسناد موقوفات امیر اسماعیل سامانی در بخارا وارد شده، اسناد مذکور مشخص می‌کنند که واقفان برای املاک و دارایی‌های وقفی شرایطی از جمله تعیین وراثت، شرایط تولیت و اداره امور موقوفات را تعیین می‌کردند. (چخوویچ، ۱۳۷۹: ۱۰) از دیگر شرایط این بود که حق فروش موقوفات و واگذاری آن به دیگران وجود نداشته است. (فرای، بخارا دستاورد قرون وسطی، ۱۳۴۸: ص ۲۱۸، ۲۱۹) برای املاک وقفی سند تنظیم می‌شد. جعفر بن محمد توبنی، دهقان توبن از توابع نخشب، ملکی برای فرزندان خود وقف کرده و برای آن سند نوشته بود. (سمعانی، ۱۳۸۲ق ۱۹۶۲م، ۳: ۱۰۱، ۱۰۲) می‌توان گفت ساز و کار قانونی و پذیرفته شده‌ای وجود داشته که اجازه می‌داد درآمد اوقاف از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر حمل شود. ابوطیبه عیسی بن سلیمان دارمی گرگانی از علما و زهاد گرگان، اموال و ضیاع و عقار خود را وقف فرزندان و بستگانش کرده بود و درآمد این موقوفات از گرگان و استرآباد برای فرزندان و بستگانش به شهر شبورقان (اشبورقان) در ناحیه جوزجان فرستاده می‌شد. (سهمی، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م: ۲۵؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق/ ۱۹۶۲م، ۹: ۱۱۹، ۱۲۰) شرایط وقف در وقفنامه‌ها نوشته می‌شد. پیرزنی که باغ خود را وقف ساخت و نگهداری مسجد آدینه سبزوار کرده بود، خواست کرد که وقفنامه‌ای نوشته شود و شاهدان آن را گواهی کنند. (علی‌بن زید بیهقی، ۱۳۶۱: ۴۹)

## نتیجه‌گیری

در گسترش وقف در خراسان و ماوراءالنهر عصر سامانیان وجود بستر اجتماعی ریشه‌دار و عوامل جغرافیایی دخیل بوده است. در این دو سرزمین توجه به نیازهای اجتماعی، رفاهی و علمی جامعه، در گسترش فرهنگ وقف نقش مؤثری داشته است. در کنار این عوامل اجتماعی و جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی مانند برقراری امنیت و آرامش و رشد فعالیت‌های اقتصادی و برقراری رفاه نسبی اقتصادی، در تقویت و گسترش وقف نقش داشته است.

توانگران دارایی خود را در کارهای خیر صرف می‌کردند. عوامل جغرافیایی و فرهنگی در پراکندگی کارکردهای وقف دخیل بوده است. در ماوراءالنهر توانگران، با توجه به شرایط خاص جغرافیایی این سرزمین، بیشتر به ساخت بناهای عام‌المنفعه مانند رباط گرایش داشتند. چرا که بخش‌هایی از ماوراءالنهر جزء مرزهای مسلمانان با اقوام غیرمسلمان بود و مرزداری یکی از مسائل اساسی این سرزمین به شمار می‌رفت. افزون بر این، بخش‌هایی از اطراف ماوراءالنهر را بیابان فراگرفته بود و مسافرت و تجارت میان شهرها، نیاز به امکانات و سرپناه داشته است. با توجه به چنین شرایطی، توانگران مال خود را در راه ساخت رباط و کاروانسرا و تهیه خوراک و دیگر نیازهای مسافران و بازرگانان، هزینه می‌کردند.

در خراسان نیز به ساخت رباط به‌ویژه در مناطق مرزی، و کاروانسرا و وقف مال در این زمینه، با دامنه کمتری نسبت به ماوراءالنهر، توجه می‌شد. در خراسان گرایش به علم قوی‌تر بوده و نیکوکاران بیشتر به وقف مال برای ترویج علم همت می‌گماشتند. علما، مدرسان و دولتمردان به ساخت مدرسه، وقف کتابخانه و وقف منزل می‌پرداختند. شافعیان خراسان در ساخت مدارس وقفی برای هم‌کیشان خود و تأمین هزینه‌های آن فعالیت بیشتری داشتند. در هر دو سرزمین خراسان و ماوراءالنهر، وقف مال و ساخت اماکن مذهبی، اجتماعی و عمرانی مانند مسجد، بیمارستان و زندان، احداث و نگهداری کانال‌های آبرسانی و وقف درآمد بازارها و زمین‌ها نیز مورد توجه توانگران و نیکوکاران بوده است. طیف متنوعی از گروه‌های اجتماعی شامل امیران، دولتمردان و نظامیان، عالمان، مدرسان و توانگرانی از عامه مردم و حتی زنان در وقف مشارکت داشتند. دیوان وقف بر موقوفه‌ها نظارت داشت. برای موقوفه‌ها سند نوشته می‌شد. واقفان شرایط را برای اموال وقفی تعیین می‌کردند.

## کتابنامه

### کتاب‌ها

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد بن محمد (۱۳۷۱). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج ۱۶، ۱۸ - ۲۰، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: علمی.

- ابن حوقل، محمد (۱۳۶۶) سفرنامه ابن حوقل ایران در صوره الارض. ترجمه و تصحیح جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۰). المسالك و الممالک، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: مترجم.
- ابن نقطه، محمد بن عبدالغنی (۱۴۰۸ق/ ۱۹۷۸م) تکملة الاکمال، ج ۳، مکه مکرمه: جامعة الم القرى. معهد البحوث العلمیه مرکز احیاء التراث الاسلامی.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفدا اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م). البداية و النهاية، ج ۱۱، بیروت: دارالفکر.
- اصطخری، ابوابراهیم (۱۳۴۰). مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹). ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه مریم میر احمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بارتولد، و. و (۱۳۵۲). ترکستان نامه، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۸۵). تاریخ غزنویان، ج ۱، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۴). تاریخ بیهقی، ج ۱، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۱). تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتابفروشی فروغی.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴). غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۲۰۰۵م). آداب الملوک، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ——— (۱۴۲۰ق). یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر، ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جرفادقانی، ناصح بن زفر (۱۳۷۴). ترجمه تاریخ یمینی، تحقیق جعفر شعار، تهران: علمی و فرهنگی.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸). اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری، مشهد: آستان قدس رضوی.

- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور، تهران: آگه.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده. تهران: کتابخانه طهوری.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۳). معجم الادبا، ج ۳، تحقیق الدكتور احسان عباس، بیروت: دار المغرب الاسلامی.
- ——— (۱۹۹۵). معجم البلدان، ج ۱ و ۲، بیروت: دارصادر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه، ج ۸، ۱۲، تهران: دانشگاه تهران.
- سبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن تقي الدين (۱۴۱۳ق). طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: د. محمود محمد الطناحي. د. عبد الفتاح محمد الحلو، قاهره: هجر للطباعة والنشر والتوزيع الطبعه.
- سمعانی، أبوسعید عبد الکریم بن محمد بن منصور التیمی، (۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م). الأنساب، ج ۱، ۲، ۳، ۸، ۹، ۱۲، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- سهمی، حمزه بن یوسف (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م). تاریخ جرجان، بیروت: عالم الکتب.
- شیبانی، محمد بن حسن (۱۳۵۶ق). الجامع الكبير، ج ۵، حیدرآباد: مطبعه الاستقامه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ج ۱۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فارسی، عبدالغافر بن اسماعیل (۱۳۶۲ش/۱۴۰۳ق). تاریخ نیشابور: المنتخب من السياق، محقق محمدکاظم محمودی، تلخیص ابراهیم بن محمد صریفینی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۴۸). بخارا دستاورد قرون وسطا، ترجمه محمود محمودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ——— (گردآورنده) (۱۳۶۳). تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، از سلسله تحقیقات گروه تاریخ دانشگاه کمبریج، ج ۴، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- ——— (۱۳۸۸). عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش.
- فروزانی، سید ابوالقاسم، (۱۴۰۱). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان، تهران: سمت.
- قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱). تاریخ الحكماء، به کوشش بهمن دارایی، تهران:

- دانشگاه تهران.
- کاتب بغدادی، قدامت‌بن جعفر (۱۳۷۰). الخراج، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: البرز.
- کسای، نورالله (۱۳۷۴). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: امیر کبیر.
- گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). زین‌الخبار، مقدمه محمد قزوینی، تهران: دنیای
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- معین الفقراء، احمد بن محمود (۱۳۷۰). تاریخ ملازاده در ذکر مزارات بخارا، تصحیح احمد گلچین معانی، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱ و ۲، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق). الواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار، ج ۴، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۰). سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی - اسلامی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ——— (۱۳۸۶). فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، تهران: امیرکبیر.
- نرشخی، محمد بن جعفر (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: توس.
- نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۸). القند فی ذکر علماء سمرقند، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
- هروی، جواد (۱۳۷۱). ایران در زمان سامانیان، مشهد: نشر نوند.
- ——— (۱۳۸۲). تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.
- ——— (۱۴۰۳). تاریخ سامانیان، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- واعظ بلخی، ابوبکر عبدالله بن عمر (۱۳۵۰). فضائل بلخ، ترجمه عبدالله بن محمد بن محمد بلخی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: نیاد فرهنگ ایران.

مقاله‌ها

- اروجی، فاطمه، و چاهیان، علی اصغر (۱۳۹۲)، نقش فرهنگ عمومی ایرانیان در تسهیل مسافرت در سده‌های ۳ و ۴ هجری، تاریخ و فرهنگ، ۴۵ (۹۰)، ۵۵ - ۸۴.
- \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶) وقف در خراسان و ماوراءالنهر؛ از پیدایش سامانیان تا پایان غزنویان، تاریخ اسلام، ۱۸ (۷۲)، ۷۷ - ۱۱۴.
- چاهیان، علی اصغر، (۱۳۹۵)، "وقف در ایران از ورود اسلام تا سده هفتم هجری"، رساله دکتری، گروه تاریخ دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- چخوویچ، او. د، (۱۳۷۹)، اسناد موقوفات اسماعیل سامانی در بخارا، ترجمه لیلا بن روشه، وقف میراث جاویدان، ۸ (۲۹)، ۷ - ۱۸.
- زمانی محبوب، حبیب، (۱۳۹۲)، رباطهای ماوراءالنهر، تاریخ اسلام، ۱۴ (۵۶)، ۱۸۳ - ۲۰۴.
- سجادی، سید احمد، آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران، قسمت ۱، (بهار ۱۳۹۳)، وقف میراث جاویدان، ۲۲ (۸۵)، ۵۱ - ۸۶.
- \_\_\_\_\_، آثار اجتماعی وقف اسلامی در ایران، قسمت ۴، (زمستان ۱۳۹۳)، وقف میراث جاویدان، ۲۲ (۸۸)، ۲۳ - ۶۴.
- کسایی، نورالله (۱۳۷۴). ابن حبان بستنی، تحصیلات، سفرها، آثار علمی و خدمات آموزشی، تحقیقات اسلامی، ۱۰ (۱ و ۲)، ۶۹ - ۸۲.
- \_\_\_\_\_، وقف در خدمت نهادهای علمی - آموزشی (۱۳۷۸)، وقف میراث جاویدان، ۷ (۲۷)، ۴۴ - ۴۹.
- مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، و مقیمی، مهین (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر وقف بر شکل‌گیری مدارس در ایران دوره اسلامی، نقش جهان، ۷ (۱)، ۴۹ - ۵۸.

## **Foundations and Functions of Waqf in Khorasan and Transoxiana in the Samanid Period**

### **Abstract**

*Waqf* (Endowment) is a charitable donation of property or assets in Islamic law, where the donor relinquishes ownership and the benefits are used for religious, educational, or social welfare purposes indefinitely.

During the Samanid period, *waqf* played a crucial role in shaping the social, economic, cultural, educational, and religious structures of Khorasan and Transoxiana. Motivated by various factors, different social groups established endowments that funded a wide range of services. Beyond supporting religious and scholarly institutions, *waqf* contributed to economic stability by financing welfare programs, creating jobs, and redistributing wealth. These efforts improved living standards and helped reduce social inequality. *Waqf* also played a key role in maintaining *ribats* and caravanserais, securing trade routes, and protecting borders, which facilitated travel and boosted commerce. A closer look at these aspects reveals that *waqf* was not just a means of promoting knowledge and culture but also a force for social cohesion and stability.

This study explores the foundations and functions of *waqf* in Khorasan and Transoxiana. Using a descriptive-analytical approach and drawing on historical, geographical, literary, and biographical sources, it examines *waqf*'s role in the development of mosques, schools, *khanqahs*, *ribats*, caravanserais, and urban infrastructure.

The study argues that the deep-rooted social and cultural framework of these regions, intertwined with their scientific and economic needs, created the conditions for *waqf* to flourish. Through endowments, different social groups contributed to education, welfare, and economic growth, reinforcing both social structures and urban development.

**Keywords:** Samanids / *Waqf* / Khorasan / Transoxiana / Social Services / Promotion of Knowledge / Trade